

خلاصه:

به منظور بررسی رابطه بین تحول قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی و همچنین بررسی تحول قضاوت اخلاقی در کودکان و نوجوانان ایرانی دو گروه آزمودنی شامل گروه‌های گواه و آزمایش انتخاب شدند. گروه گواه از بین کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت مرکز در تهران وابسته به سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور انتخاب شدند. فرض بر این بود که تحول قضاوت اخلاقی بین کودکان و نوجوانان بهنجار و بزهکار متفاوت است و کودکان و نوجوانان ایرانی با افزایش سن در مرحله بالاتری از تحول قضاوت اخلاقی قرار می‌گیرند. در جهت اجرای تحقیق از تست قضاوت اخلاقی آن کلبی و کلسی کافمن استفاده شد نتایج تحقیق نشان داد که بین دو گروه بزهکار و بهنجار از نظر تحول قضاوت اخلاقی با ۹۵٪ اطمینان تفاوت وجود دارد ولی آزمودنیهای بهنجار

مقایسه

تحول قضاوت اخلاقی

در کودکان و نوجوانان

بزهکار و بهنجار

پژوهشگر: ناهید اکرمی

در گروه‌های سنی مختلف با یکدیگر تفاوت معنی داری نشان ندادند. اگر چه بررسی توصیفی داده‌ها نمایانگر وجود تفاوت بود.

مقدمه:

رابطه بین اندیشه و عمل چگونه است؟ آیا آدمی آنگونه که می‌اندیشد عمل می‌کند؟ آیا اندیشه فرد می‌تواند نمودار عمل او باشد و آیا از رفتار فرد می‌توان پی به اندیشه‌اش برد؟ پاسخ این سئوالات در مورد حمایت از ارزشهای انسانی می‌تواند تضمین کننده اعمال افراد باشد. اگر پاسخ مثبت است تا چه میزان این امر قابل اعتماد و اتکاست و اگر پاسخ منفی است آیا همیشه چنین است؟

روانشناسان برای پژوهش پیرامون این مساله به بررسی رابطه بین قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی پرداخته‌اند. هارت شورن و می^(۱) (۱۹۲۸ م.) در پژوهشی تقلب در امتحانات را به عنوان رفتار غیر اخلاقی

انتخاب کردند. پژوهش آنها نشان داد که بین قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی رابطه بسیار ضعیفی وجود دارد به این معنی که ممکن است فردی در مراحل بالای قضاوت اخلاقی باشد ولی در امتحان تقلب کند. در حالی که آزمایشهای کهلبرک^(۲) (۱۹۶۲ م.) عکس این رابطه را نشان داده یعنی در آزمایشهای او کسانی کمتر تقلب می‌کردند که در مراحل بالای رشد اخلاقی بودند.^(۳) در پژوهش دیگر که توسط دامون (۱۹۷۷ م.)^(۴) صورت گرفت قضاوت کودکان در یک موقعیت فرضی درباره مفهوم منصفانه بودن پخته‌تر از زمانی بود که مسأله به صورت علمی و واقعی مطرح شد.

با وجود این شواهدی از روابط متقابل قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی در آزمودنیهای بزرگتر وجود دارد. مطالعات تجربی در مورد رفتار تقلب کردن در آزمودنیهای بزرگتر که در مرحله پنجم و ششم قرار دارند نشان می‌دهد که این افراد

نسبت به افرادی که در مراحل پایین‌تر هستند کمتر احتمال دارد که تقلب کنند (لمینگ ۱۹۷۸ م.)^(۵) همچنین در شیوه‌ای که توسط میلگرم (۱۹۷۴ م.)^(۶) مورد استفاده قرار گرفت از آزمودنیها خواسته شد که به افرادی که خود پذیرفته بودند که در برابر شوک وارده تسلیم باشند - بطور افزایشی شوک الکتریکی بدهند.

کهلبرک و کاندی^(۷) (۱۹۸۴ م.) گزارش دادند که ۸۷ درصد از آزمودنیهایی که در مرحله چهارم قرار داشتند از دادن شوک هنگامی که نشانه‌هایی از درد و رنج را مشاهده کردند خودداری کردند اما نیمی از آزمودنیهایی که در مرحله سوم قرار داشتند این کار را پذیرفتند.^(۸) همچنین رابطه متقابل سطح شناختی و رفتاری تحول اخلاقی در یک مطالعه در مورد دانشجویان شرکت‌کننده در جنبش آزادی بیان برکلی (۱۹۶۴ م.) در جریان شورشهای دانشگاه کالیفرنیا توضیح داده شده است (ها، اسمیت و بلاک ۱۹۶۸ م.)^(۹) براساس تجزیه و تحلیل مجدد اطلاعات اولیه و استفاده از جدیدترین دیدگاه برای نمره‌گذاری قضاوت اخلاقی کهلبرک و کاندی (۱۹۸۴ م.) دریافتند که ۷۲ درصد از دانشجویانی که در مرحله پنجم قرار داشته‌اند در اعتراضات شرکت کرده‌اند. در حالی که در حدود ۴۴ درصد از افرادی که در مرحله چهارم و تنها ۱۰ درصد از افرادی که در مرحله سوم قرار داشته‌اند در اعتراضات رسمی شرکت داشته‌اند.

در پاره‌ای دیگر از پژوهشها قضاوت اخلاقی در دو گروه بزهکار و غیر بزهکار مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. به عبارت دیگر بزهکاران به عنوان افرادی که دارای رفتار غیراخلاقی هستند و گروه غیربزهکار به عنوان افرادی که دارای رفتار اخلاقی هستند مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند. از جمله در تحقیقی که توسط کهلبرک انجام گرفته جوانان بزهکار با جوانان مطیع قانون که در همان رده سنی و هوشی هستند از لحاظ قضاوت اخلاقی مقایسه شده‌اند نتایج پژوهش نشان داد که



جوانان بزهکار از لحاظ قضاوت اخلاقی در سطح پایین‌تری قرار دارند (کهلبرگ ۱۹۶۹

م.)^(۱۰). همچنین در پژوهشی که توسط هادگینز و پرتیس^(۱۱) انجام گرفت به این نتیجه رسیدند که نوجوانان دختر غیربزهکار در سطح بالاتری از قضاوت اخلاقی نسبت به نوجوانان دختر بزهکار قرار دارند.^(۱۲) متعاقب این تحقیق پژوهشی نیز توسط ریچارد هانسن و روناالد مالین صورت گرفت.^(۱۳) نتایج پژوهش نشان داد که جوانان بزهکار در سطح پایین‌تری از تحول اخلاقی نسبت به جوانان غیربزهکار قرار داشتند ولی این قضاوت در بین دو جنس معنی‌دار نبود. اگرچه در هر دو گروه دخترها نمره‌های بالاتری را کسب کردند. در تحقیق دیگری (۱۹۹۰ م.) شصت جوان بزهکار ۱۴ - ۱۷ سال و بیست نفر غیربزهکار انتخاب و آزمونهای استدلال اخلاقی درک‌قراردادهای اجتماعی، اجتماعی شدن، همدردی، خودپیری و جامعه ستیزی در مورد آنها اجرا شد. هدف از اجرای این آزمونها کشف روابط بین استدلال اخلاقی، احساسات اخلاقی و رفتار ضدا اجتماعی بود. گروه بزهکار تا خیرتحول را در همه تستهای کنش اخلاقی نشان داد و یافته‌ها بطور کلی چند بعدی بودن منش تحول اخلاقی و پیچیدگی روابط متقابل بین فکر و عمل را تاکید کرد.^(۱۴)

از جمله اهداف این پژوهش نیز بررسی رابطه بین تحول قضاوت و رفتار اخلاقی است به این معنا که آیا افرادی که در رفتار اخلاقی با هم تفاوت دارند (در پژوهش ما بزهکاران و بهنجارها) در قضاوت اخلاقی نیز متفاوت هستند؟ فرض ما در رابطه با این هدف آن است که تحول قضاوت اخلاقی بین کودکان و نوجوانان بهنجار و بزهکار متفاوت است. هدف دیگری که با استفاده از اطلاعات پژوهش قابل بررسی است بررسی مراحل تحول قضاوت اخلاقی در کودکان و نوجوانان ایرانی و دستیابی به پاسخ این سوال است که آیا کودکان و نوجوانان ایرانی نیز با افزایش سن در مرحله بالاتر از قضاوت اخلاقی قرار می‌گیرند. فرض ما در

رابطه با این هدف آنست که کودکان و نوجوانان ایرانی نیز با افزایش سن در مرحله بالاتری از مراحل قضاوت اخلاقی قرار می‌گیرند.

روش اجرای تحقیق الف - روش نمونه‌گیری

جامعه آماری که از بین آنها افراد مورد نظر بطور تصادفی انتخاب شدند شامل کلیه دانش‌آموزان پسر ۱۰ - ۱۱، ۱۲ - ۱۳، ۱۴ - ۱۶ - ۱۷ ساله تهرانی بودند که در مقاطع دبستان، راهنمایی و متوسطه تحصیل می‌کردند و سابقه رفتارهای بزهکارانه نداشته‌اند، جامعه دیگر کودکان و نوجوانان پسر ۱۲ - ۱۴ - ۱۶ - ۱۷ ساله‌ای بودند که مرتکب جرمی شده و به دلیل ارتکاب آن جرم در کانون اصلاح و تربیت مرکز، در تهران مدت محکومیت خود را سپری می‌کردند. به منظور انتخاب آزمودنیهای گروه گواه سه منطقه یک یازده و نوزده در شمال، مرکز و جنوب از بین مناطق آموزش و پرورش تهران انتخاب شدند و از سه دبستان در سه منطقه، بیست و پنج نفر در سنین ۱۰ - ۱۱ از سه مدرسه راهنمایی بیست و پنج نفر در سنین ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ سال و از سه دبیرستان بیست و پنج نفر در سنین ۱۶ - ۱۷ سال مورد مصاحبه قرار گرفتند. از بین کودکان و نوجوانان موجود در کانون اصلاح و تربیت مرکز دو گروه بیست و پنج نفری در سنین ۱۲ - ۱۴ و ۱۶ - ۱۷ انتخاب شدند در گروه سنی ۱۰ - ۱۱ سال با تعدادی از کودکان مصاحبه شد اما به دلیل فقدان تعداد کافی آزمودنی از این گروه و محدودیت زمان پژوهش به ناچار این گروه حذف شدند.

ب - ابزار اندازه‌گیری

ابزار پژوهش تست قضاوت اخلاقی آن کلیبی^(۱۵) و کلسی کافمن^(۱۶) است. این تست سه فرم A و B و C دارد. در هر فرم از سه معمای اخلاقی که هرکدام در رابطه با دو موضوع اخلاقی است، استفاده می‌شود. در این معماها آزمودنی در برابر یک موقعیت

متناقض قرار گرفته یک موضوع را بر می‌گزیند و سپس در رابطه با علت برگزیدن

آن، استدلال خود را مطرح می‌کند. در اولین معما دو موضوع «زندگی و قانون» در دومین معما دو موضوع «اخلاق - وجدان» و «تسبیه» و در سومین معما دو موضوع «اقتدار» و «قرارداد» در مقابل هم قرار می‌گیرند. در این پژوهش از فرم A استفاده شده است و این فرم شامل سه معمای هاتز^(۱۸)، براون^(۱۹) و جو^(۲۰) است. در معماهای اشاره شده تغییرات اندکی در اسامی به منظور انطباق آن با فرهنگ ایرانی داده شده است.

ج - روش جمع‌آوری اطلاعات

مصاحبه قضاوت اخلاقی بطور انفرادی و شفاهی انجام شد. به منظور اجرای تست قضاوت اخلاقی، ابتدا معما را برای کودک یا نوجوان تعریف کرده و سپس از او می‌خواستیم که آن را تکرار کند. پس از تکرار داستان توسط آزمودنی و اطمینان از درک کامل داستان، سوالات مربوط به داستان مطرح و پاسخیهای آزمودنی یادداشت می‌شد. زمان لازم برای اجرای این آزمون بطور متوسط چهل و پنج دقیقه بود. جوابهای آزمودنیها در انتها با مراجعه به دفترچه آزمون نمره‌گذاری شده و مرحله تحول (مراحل ۱ - ۵) و نمره تحول قضاوت اخلاقی (نمرات بین ۱۰۰ - ۵۰۰) آزمودنیها مشخص می‌شد.

نتیجه‌گیری

خلاصه نتایج پژوهش در جداول نشان داده شده است.

باتوجه به اطلاعات جدول مشاهده می‌شود که تنها گروههای ۱۰ - ۱۱ و ۱۶ - ۱۷ سال بهنجار در مرحله ۲/۳ قرار داد و سایر گروهها تا مرحله سوم پیش رفته‌اند.

دو گروه بزهکار نسبت به سه گروه بهنجار در مرحله سوم فراوانی کمتری را نشان می‌دهند و گروه ۱۶ - ۱۷ سال بهنجار در مرحله ۲/۳ و ۲ از بیشترین فراوانی نسبت

به سایر گروهها برخوردارند. هیچکدام از آزمودنیها در مراحل ۴، ۳/۵ و ۵ قرار نگرفته‌اند.

همانطور که در جدول نشان داده شده است، دو گروه ۱۰-۱۱ و ۱۲-۱۳ سال بهنجار تفاوت معنی‌داری در تحول قضاوت اخلاقی نداشته‌اند و همین نتیجه یعنی عدم وجود تفاوت معنی‌دار در مورد گروههای ۱۳-۱۲ و ۱۶-۱۷ سال بهنجار مشاهده

می‌شود. اما مقایسه دو گروه بهنجار و بزهدار با یکدیگر نشان‌دهنده وجود تفاوت معنی‌دار بین آنها با ۹۵ درصد اطمینان است.

بحث

هدف اصلی پژوهش مقایسه تحول قضاوت اخلاقی در کودکان و نوجوانان بزهدار و بهنجار است. نمرات تحول

قضاوت اخلاقی در دو گروه با استفاده از آزمون ۱ مقایسه شد و نتایج آزمون نشان داد که بین دو گروه با ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معنی‌دار وجود دارد (مراجعه به قسمت نتایج) نتیجه این تحقیق همسو با نتیجه‌ای است که کهلبرگ در مقایسه کودکان و نوجوانان بزهدار و بهنجار به دست آورده است. نتایج پژوهش آنان نشان داد که جوانان بزهدار از نظر قضاوت اخلاقی در سطح پایین‌تری قرار دارند (کهلبرگ ۱۹۶۹). همچنین پژوهشهایی که توسط دگینز و پرتیس در مورد تحول قضاوت اخلاقی نوجوانان دختر بزهدار و غیربزهدار صورت گرفت و تحقیقات ریچارد هانسن و رونالد مالیس در مقایسه کودکان و نوجوانان دختر و پسر بزهدار و غیربزهدار نتایجی مشابه با پژوهش حاضر در برداشته است.

از وجود تفاوت معنی‌دار بین دو گروه بزهدار و غیربزهدار در تحول قضاوت اخلاقی نمی‌توان نتیجه گرفت که با آموزش و بالا بردن سطح تحول قضاوت اخلاقی رفتار بزهداران افراد از بین می‌رود بلکه آموزش افراد بزهدار در زمینه قضاوت اخلاقی و بررسی میزان تغییر در رفتار اخلاقی آنها باید موضوع پژوهشی دیگر باشد.

در بررسی تحول قضاوت اخلاقی در کودکان و نوجوانان ایرانی بطور کلی به این نتیجه رسیدیم که بین گروههای انتخاب شده تفاوت معنی‌داری وجود ندارد یعنی گروه ۱۲-۱۳ سال نسبت به گروه ۱۰-۱۱ سال و گروه ۱۶-۱۷ سال نسبت به گروه ۱۲-۱۳ سال در مراحل بالاتری از تحول قضاوت اخلاقی قرار نگرفته‌اند ولی داده‌های جدول شماره (۱) قابل تامل و بررسی است. در گروه بهنجار ۱۰-۱۱ سال ۳۸ درصد افراد در مرحله اول تا دوم قرار گرفته‌اند، یعنی ۵۲ درصد دیگر از فراوانیها در مراحل بالاتر از این مرحله هستند. در گروه ۱۶-۱۷ سال، ۲۳٪ افراد تا مرحله دوم و ۷۶٪ بقیه در مراحل بالاتر از این مرحله‌اند. افزایش تعداد افرادی که در مراحل بالاتر از مرحله دوم قرار گرفته‌اند

مراجعه											
گروهها	فراوانیها	۱	۱/۲	۲	۲/۳	۳	۲/۲	۲	۳/۵	۵	
بهنجارها	f	-	۳	۸	۹	۴	-	-	-	۲۵	% f
	% f	-	۱۶%	۲۲%	۳۶%	۱۶%	-	-	-	۱۰۰%	
۱۰-۱۱ سال	c % f	-	۱۶%	۲۸%	۸۴%	۱۰۰%	-	-	-	۱۰۰%	
بهنجارها	f	۲	۲	۶	۹	۶	-	-	-	۲۵	% f
	% f	۸%	۸%	۲۳%	۳۶%	۲۴%	-	-	-	۱۰۰%	
۱۲-۱۳ سال	c % f	۸%	۱۶%	۴۰%	۷۶%	۱۰۰%	-	-	-	۱۰۰%	
بهنجارها	f	-	۱	۵	۱۳	۵	۱	-	-	۲۵	% f
	% f	-	۴%	۲۰%	۵۲%	۲۰%	۴%	-	-	۱۰۰%	
۱۶-۱۷ سال	c % f	-	۴%	۲۳%	۷۶%	۹۶%	۱۰۰%	-	-	۱۰۰%	
بزهداران	f	۱	۸	۷	۸	۱	-	-	-	۲۵	% f
	% f	۳%	۲۲%	۲۸%	۲۲%	۴%	-	-	-	۱۰۰%	
۱۲-۱۳ سال	c % f	۴%	۲۶%	۶۴%	۹۶%	۱۰۰%	-	-	-	۱۰۰%	
بزهداران	f	۱	۵	۱۲	۵	۲	-	-	-	۲۵	% f
	% f	۳%	۲۰%	۴۸%	۲۰%	۸%	-	-	-	۱۰۰%	
۱۶-۱۷ سال	c % f	۴%	۲۳%	۷۲%	۹۲%	۱۰۰%	-	-	-	۱۰۰%	

نتایج آزمون تا جهت مقایسه تحول قضاوت اخلاقی در گروههای بزهدار و بهنجار

گروهها	با ۴۸ درجه آزادی	P	تفاوت معنی‌دار
گروه ۱۰-۱۱ سال بهنجار و	۰/۳۵	P > %۵	-
گروه ۱۲-۱۳ سال بهنجار	۰/۰۲	P > %۵	-
گروه ۱۲-۱۳ سال بهنجار و	۲/۰۶	P < %۵	+
گروه ۱۲-۱۳ سال بزهدار	۲/۳۳	P < %۵	+
گروه ۱۶-۱۷ سال بهنجار و			
گروه ۱۶-۱۷ سال بزهدار			

همراه با افزایش سن به خوبی محسوس است. بنابراین اگرچه بین گروههای سنی مختلف در گروه بهنجار به قضاوت معنی داری دست نیافتیم ولی باتوجه به تجزیه و تحلیلها می توان گفت که کودکان و نوجوانان در سنین بالاتر، مرحله بالاتری از تحول قضاوت اخلاقی را نشان داده اند.

پی نوشتها:

- 1 - Hartshorn and may
- 2 - Kohlberg
- ۳ - اتکینسون، ریتال و دیگران، «زمینه روانشناسی»، جلد اول
- 4 - Damon
- 5 - Leming
- 6 - Milgram
- 7 - Candee
- 8 - Hetherington.E. Mavis, Ross D.Parke, Child Psychology
- 9 - Haan Smith and Block.
- ۱۰ - اتکینسون، ریتال و دیگران، «زمینه روانشناسی»، جلد اول
- 11 - Hudgins and Prentice
- 12 - J.Ab. Psychol. 1973, 82, 145 - 152
- 13 - Richard A.Hanson and Ronald L.Mullis
- 14 - J.development and Psychopathology, 1990. vol 2(3), 227 - 246
- 15 - Anne Colby
- 16 - Kelsey
- 17 - Colby, Anne; Lawrence Kohlberg, "The Measurement of Moral Judgement", Harvard univ, 1984.
- 18 - Heinz Dilemma
- 19 - Brown Dilemma
- 20 - Joe Dilemma

منابع

۱ - اتکینسون، ریتال و دیگران، زمینه روانشناسی، ترجمه جمعی از مترجمان،



جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات شد، ۱۳۶۷.

۲ - امین، فخرالسادات؛ روشهای مقدماتی آماری در روانشناسی و تعلیم و تربیت، چاپ چهارم، انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۵.

۳ - اصول و روشهای تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۴ - انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا، روانشناسی اخلاق؛ نشر فلسطین.

۵ - دادستان، دکتر یربرخ، گزارش تحقیقاتی قضاوت اخلاقی در کودکان ایرانی، بهمن ماه ۱۳۶۲، (منتشر نشده)

۶ - دلاور، دکتر علی؛ روشهای تحقیق، انتشارات دانشگاه پیام نور.

۷ - شرفی، محمدرضا؛ مراحل رشد و تحول انسان؛ چاپ اول، انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۶۳.

۸ - کریمی، عبدالعظیم؛ بررسی تجربی ظرفیت عملیاتی و رابطه آن با تحول اخلاقی؛ پایان نامه فوق لیسانس از دانشگاه آزاد اسلامی، استاد راهنما؛ دکتر دادستان، سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷.

۹ - کریمی، یوسف؛ «رشد اخلاقی در کودکان» مجله روانشناسی، سال چهارم، شماره دوازدهم.

۱۰ - کرین، ویام سی؛ پیشگامان روانشناسی رشد؛ ترجمه دکتر فرید فدایی، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰.

۱۱ - منصور، دکتر محمود؛ زمینه بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان؛ انتشارات چهر، ۱۳۵۶.

۱۲ - نورانی، خلیل؛ مطالعه ای درباره مراحل رشد اخلاقی در ایران از دیدگاه کهلبرگ؛ پایان نامه فوق لیسانس از دانشگاه شیراز، استاد راهنما؛ دکتر سجادی. سال تحصیلی ۱۳۶۴.

13 - Colly, Anne; Lawrence Kohlberg, The measurment of moral judgement; harvard univ. 1984.

14 - Chandler. Michael; Moran. Thomas, "Psychopathy and moral development; A comprective study of delinquent and nondelinquent youth", J.Development and Psychopathdogy, 1990. Vol 2(3), 227 - 246.

15- Hargreaves. David, Martin. Herbert and Ann taycor, "Developmental Psychology and you" Published by Brithish Psychological Rovtledge, 1th ed. 1991.

16 - Honson. Richard, Ronald L.Mullis "Moral Reasoning in opfender and nonoffender youth," J.Genet. Psychol. 1984, 144, 295 - 296.

17 - Hetherington. E Maris, Ross D. Parke, "child Psychology". 3th ed. 1986. Mc Grow Hill Pook company.

18 - Hudgins and prentice, N.M. "Moral judgement in delinquent and nondelinquent adolescents and their mothers". J.Ab. psyche. 1973, 82, 145 - 152.

19 - Niles. J.william, "Effect of a morol development discussion group delinquent and predelinquent boys". 1986. J.conseling psychol. 1986. 33, 45 - 57.

20 - Lowrence J.walker and john H. Taylor, "Fomily interaction and the developmental moral reasoning", chld development, 1991, volo2.No2